

تعدد جرم در قلمرو آیین دادرسی کیفری

عباس شیخ الاسلامی^۱

محمد مسعود ملازمیان^۲

چکیده

تعدد جرم وضعیت شخصی است که مرتکب جرایم مختلف شده و هنوز در مورد آنها حکم محکومیت قطعی صادر نشده است و یا اینکه رفتار واحد وی، دارای عناوین متعدد مجرمانه است. قانونگذار قواعد خاصی ظاهراً به عنوان تشدید مجازات مرتکبین جرایم متعدد پیش‌بینی کرده است. اجرای این قواعد خاص، ممکن است با چالش‌هایی در فرایند دادرسی کیفری مواجه گردد. از جمله این چالش‌ها، بحث شروع تعقیب کیفری، تفهیم اتهام، قرارهای تأمین کیفری، مشخص شدن سابقه تعدد پس از صدور رأی قطعی، اعتبار امر مختومه و مهم‌تر از همه، صلاحیت دادگاه در رسیدگی به جرایم متعدد به ویژه در تعدد مادی جرایم داخل در صلاحیت ذاتی مراجع قضایی مختلف است. ایجاد راهکاری واحد در مورد چنین وضعیت‌هایی که همزمان حقوق متهم و جامعه و اجرای قواعد آمره را تضمین کند، از اهمیت شایانی برخوردار است. به نظر می‌رسد راهکار قانونگذار در مورد تعدد جرایم در صلاحیت ذاتی مراجع متعدد و مشخص شدن سابق جرایم قبلی بعد از صدور حکم، مبهم است و در عمل چالش‌های مهمی ایجاد کرده است.

واژگان کلیدی: تعدد جرم، صلاحیت، تعقیب کیفری، تفهیم اتهام، قرار تأمین کیفری.

۱- وکیل پایه یک دادگستری، دانشیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، sheikholeslami@mshdiau.ac.ir

۲- وکیل پایه یک دادگستری، دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی،

Mohamadmasoudmolazemian@yahoo.com



مقدمه

ایجاد امنیت و برقراری عدالت در جامعه، همواره یکی از دغدغه‌های اصلی و مهم قانونگذاران و مجریان قانون به ویژه دستگاه عدالت کیفری بوده است. در این راستا، علاوه بر نیاز به وضع قوانین ماهوی کارآمد، قوانین شکلی و مرتبط با دادرسی کیفری که ترتیب اجرای قوانین ماهوی را بیان می‌کنند، از اهمیتی دوچندان برخوردار هستند. یکی از مسایل چالش برانگیز در امر دادرسی کیفری، بحث جرایم متعدّد متهمین است.^۱ در خصوص اتهامات متعدد متهمان، دستگاه قضایی با مسایل خاصی روبرو است که نحوه برخورد با آنها، می‌تواند سرنوشت یک پرونده و حقوق شاکی و متهم را دستخوش تغییرات اساسی کند. تعدد جرم که از آن به وضعیتی یاد می‌شود که «شخصی مرتکب چند فقره جرم مجزی از هم در زمان‌های مختلف بشود، بدون آنکه یک محکومیت قطعی فاصل بین آنها باشد»،^۲ می‌تواند در مباحث اساسی چون شروع تعقیب کیفری، تفهیم اتهام، قرارهای تأمین کیفری و صلاحیت دادگاه نقش داشته باشد که هر کدام نیازمند تبیین و بررسی زوایای مختلف آن خواهد بود.

۱۶

قانونگذار ایران در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ و اصلاحات موسوم به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲، رویه خود در برخورد با تعدد جرم را تغییر داد و از سیستم جمع مجازات‌ها در تعدد مادی جرم، به سیستم اجرای مجازات اشد روی آورد. بنابر این، با موضع جدید قانونگذار، مسایل خاص آیین دادرسی کیفری که در زمان حکومت قانون سابق در بحث تعدد مادی جرم با مشکلی مواجه نبود،

۱- برای دیدن مفهوم تعدد جرم ن.ک:

باهری، محمد، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۳۸۹، صص ۴۴۰-۴۲۵.

شیخ الاسلامی، عباس، تعدد جرم، نظریه‌ها و رویه‌ها، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۵.

پوربافرانی، حسن، تعدد و تکرار جرم در حقوق کیفری ایران، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ویژه نامه حقوق، بهار

۱۳۸۴، صص ۴۵-۲۵.

۲- پیمانی، ضیاءالدین، بررسی تاریخی و تطبیقی قاعده تعدد جرم، قم، معاونت پژوهشی مجتمع آموزش عالی قم،

چاپ اول، ۱۳۷۴، ص ۷.

در حال حاضر اهمیت زیادی پیدا کرده است. در این مقاله، با توجه به جریان تعقیب کیفری، تأثیر قواعد تعدد جرم را در چند قاعده آیین دادرسی کیفری بررسی می‌کنیم. سوال اصلی مقاله این است که چگونه چالش‌های تعقیب، تحقیق و دادرسی در جرایم متعدد در قلمرو آیین دادرسی کیفری مرتفع شده و ابهاماتی که نیازمند ایجاد رویه واحد برای حفظ حقوق جامعه متهم باشد، کدام است.

۱- شروع تعقیب کیفری

از لحاظ شروع تعقیب کیفری پس از وقوع جرم، بر حسب اینکه جرم قابل گذشت یا غیر قابل گذشت باشد، موضع مختلفی خواهیم داشت.

در تعدد مادی جرم، این مسئله مشکل خاصی ایجاد نمی‌کند، چراکه بر مبنای قابل گذشت بودن یا غیر قابل گذشت بودن جرایم متعدد، تکلیف آغاز تعقیب کیفری و لزوم یا عدم لزوم شکایت شاکی مشخص می‌گردد. در این حالت، طبیعی است که چنانچه برخی جرایم قابل گذشت باشند، نیازمند شکایت شاکی خصوصی بوده و جرایم دیگر نیز بدون نیاز به شکایت شاکی تعقیب می‌گردند. تنها فرض مورد سوال می‌تواند این موضوع باشد که با توجه به مقررات ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و تغییر نحوه تعیین مجازات بر حسب اینکه تعداد جرایم تا سه جرم یا بیشتر باشند، اگر متهم با دو اتهام که یکی قابل گذشت و دیگری غیر قابل گذشت بود، مواجه باشد و یا اینکه با چهار اتهام که حداقل یکی از آنها قابل گذشت باشد مواجه گردید، شکایت یا عدم شکایت شاکی و همچنین گذشت بعدی وی، چه آثاری می‌تواند داشته باشد. اهمیت بحث به این جهت است که در صورت عدم شکایت شاکی یا گذشت بعدی وی، در مثال اول اصولاً با تعدد جرم مواجه نخواهیم بود و در مثال دوم نیز با تقلیل جرایم از چهار جرم به سه جرم، قاعده تعیین مجازات در ماده ۱۳۴ ق.م.ا تغییر می‌کند.

شاید در ابتدا این امر به ذهن متبادر شود که با توجه به ماده ۱۰۶ ق.م.ا که اگر در جرایم قابل گذشت تعزیری، متضرر از جرم در مدت یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع



جرم شکایت نکنند، حق شکایت کیفری او ساقط می شود، بهتر است در صورت عدم اعلام موضع از سوی متضرر از جرم قابل گذشت، تا پایان مدت مرور زمان مذکور منتظر بمانیم. ولی به نظرمی رسد این رویکرد سبب اطاله دادرسی و از بین رفتن آثار مجازات و در مواردی احجاف به حقوق شاکی و متهم می شود. لذا شاید بهترین موضع این باشد که مرجع تعقیب نسبت به جرایم غیر قابل گذشت به تعقیب پردازد و در صورت شکایت شاکی پس از این مرحله، همان طور که در ادامه مباحث و در قسمت مربوط به مشخص شدن سابقه ارتکاب جرم بحث خواهیم کرد، عمل گردد.

در بحث شروع به تعقیب کیفری در تعدد معنوی که آن را به حالتی اطلاق کرده اند که رفتار واحد دارای عناوین متعدد مجرمانه باشد،^۱ حالت های مختلفی قابل تصور است. اگر همه عناوین جزایی متعدد از جمله جرایم غیر قابل گذشت باشند، شروع تعقیب کیفری با شکایت شاکی و یا اعلام دادستان به عمل می آید و در مقابل، چنانچه تمامی عناوین از جرایم قابل گذشت باشند، باز هم تعقیب کیفری با شکایت شاکی آغاز شده و مشکلی ایجاد نمی شود. اما فرض قابل بحث مربوط به مواردی است که از حداقل دو عنوان جزایی که بر رفتار واحد بار می شود، یکی قابل گذشت و دیگری غیر قابل گذشت باشد. در این وضعیت دو حالت قابل تصور است.

حالت اول مربوط به زمانی است که عنوان جزایی که دارای مجازات اشد است، از جمله جرایم غیر قابل گذشت باشد. در این حالت، به جهت اینکه در نهایت نیز متهم به عنوان اشد محکوم و مجازات خواهد شد، عدم شکایت شاکی خللی در شروع تعقیب ایجاد نخواهد کرد.^۲ در حالت دوم، فرض سؤال اینگونه است که اگر عنوان جزایی که دارای مجازات اشد است، از جرایم قابل گذشت باشد، آیا می توان از جنبه اّخف که دارای جنبه عمومی است و بدون شکایت شاکی، تعقیب کیفری را آغاز کرد؟ هر چند پاسخ به این سؤال را برخی از حقوقدانان منفی دانسته اند به این جهت که چون طبق قانون

۱- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد سوم، تهران، نشر میزان، چاپ بیست و دوم، ۱۳۹۹، ص ۱۷۹.

۲- طاهری نسب، سید یزدالله، تعدد و تکرار جرم در حقوق جزا، تهران، انتشارات دانشور، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۲۲۸.

باید به عنوان جزایی اشد حکم کرد و این مسئله از قواعد آمره بوده و قابل عدول نیست،^۱ ولی نگارنده پاسخ مثبت به سؤال را ارجح می‌داند، چرا که در تعدد معنوی در دوران امر بین اشد و اخف، اشد را انتخاب می‌کنیم، ولی هرگاه از جهت عنوان اشد که قابل گذشت است، شاکی گذشت کند یا عدم شکایت وی حمل بر گذشت باشد، هیچ مانعی در جهت تعقیب از جنبه اخف وجود ندارد و عمل بر خلاف این نظر می‌تواند رفتار مجرمانه را بدون پاسخ بگذارد.

۲- تفهیم اتهام

یکی دیگر از مسائلی که در تعدد جرم و فرایند دادرسی کیفری جای بحث دارد، موضوع تفهیم اتهام است. اگر متهم، اتهامات متعددی داشته باشد، تکلیف مرجع تحقیق چیست و کدام یک را باید تفهیم کند؟ این موضوع در تعدد معنوی و تعدد مادی رویکردهای متفاوتی خواهد داشت.

در تعدد معنوی، شاید این موضوع به ذهن متبادر گردد که به دلیل اینکه در نهایت متهم به عنوان مجرمانه‌ای که دارای مجازات اشد است محکوم خواهد شد، پس تفهیم همین عنوان به وی کافی است. نظر دیگری که با واقعیات دادرسی کیفری بیشتر سازگار است، بر این مبنا است که باید همه عناوین جزایی متعدّد به متهم تفهیم شود و در رأی دادگاه نیز مشخص شود که از بین عناوین جزایی مذکور، مرتکب فقط به مجازات اشد محکوم می‌شود و فایده این رویه را نیز در این امر دانسته‌اند که اگر به هر دلیلی متهم از اتهام اشد تبرئه شد یا مجازات اشد در مورد وی اجرا نشد، مجازات اخف اجرا و مرتکب بدون مجازات نماند.^۲ هرچند بتوان اصل نظر را پذیرفت ولی استدلال به کار رفته در آن به نظر قابل نقد است، چرا که اگر رفتار واحد متهم واجد شرایطی باشد که نتیجه آن برائت از عنوان اشد است، دیگر در این حالت با تعدد جرم مواجه نیستیم و قسمت دوم این نظر که

۱- همان، ص ۲۲۹.

۲- زراعت، عباس، حقوق جزای عمومی ۳، جلد دوم، تهران، انتشارات جاودانه-جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۲، ص ۱۹۶.



به عدم اجرای مجازات اشد پرداخته، ظاهراً ناشی از خلط بحث با تعدد مادی است به این دلیل که در تعدد معنوی، دادگاه تنها یک مجازات در حکم خود مشخص می‌کند. بحث تفهیم اتهام در تعدد مادی مشکل خاصی ایجاد نمی‌کند، چراکه مرجع تحقیق مکلف است تمامی اتهامات متعدد را جداگانه به متهم تفهیم کند و بر این اساس نیز دادگاه چنانچه عقیده به مجرمیت داشته باشد، طبق قانون در رأی خود برای تمامی جرائم متعدد مجازات تعیین می‌کند و سپس بر مبنای اینکه سیستم جمع مجازات‌ها یا اجرای مجازات اشد قابل اجرا باشد، در خصوص مجازات لازم‌الاجرا نیز اظهار نظر می‌کند.

۳- قرارهای تأمین کیفری

ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی، یکی از قرارهای تأمین زیر را صادر می‌کند...» با توجه به این ماده قانونی و در تعدد مادی، اگر قایل به سیستم جمع مجازات‌ها مانند آنچه در قوانین مجازات اسلامی سالهای ۱۳۶۱ و ۱۳۷۰ جریان داشت باشیم، باید برای تک تک اتهامات قرار تأمین کیفری متناسب صادر شود. در سیستم اجرای مجازات اشد مانند آنچه در قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ جریان دارد، این امر جای تأمل دارد، چراکه در نهایت یک مجازات اشد در مورد مرتکب جرائم متعدد اجرا می‌شود و ماده فوق‌الذکر نیز به لزوم تناسب تأمین با اهمیت جرم و شدت مجازات اشاره کرده است.

قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ در موضوع مورد بحث ساکت بود. به طور طبیعی، دلیل آن در اجرای سیستم جمع مجازات‌ها در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ در خصوص تعدد جرم است. در ماده ۲۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به این مهم توجه شده و اعلام گردیده که «برای اتهامات متعدد متهم، قرار تأمین واحد صادر می‌شود، مگر آنکه رسیدگی به جرائم ارتكابی در

صلاحیت ذاتی دادگاههای مختلف باشد که در این صورت برای اتهامات موضوع صلاحیت هر دادگاه، قرار تأمین متناسب و مستقل صادر می‌شود.» البته در بحث از صلاحیت دادگاه در جرایم متعدّد به نقد قسمت اخیر این ماده نیز پرداخته ایم. در تعدّد معنوی، از بحث حاضر فارغ خواهیم بود، چراکه به صورت قانونی صرفاً در خصوص عنوان جزایی اشد و متناسب با آن قرار تأمین کیفری صادر خواهد شد.

۴- صلاحیت دادگاه

مباحث مربوط به صلاحیت از قواعد آمره و بسیار مهم آیین دادرسی کیفری است. صلاحیت به شایستگی و نیز تکلیف مرجع قانونی در رسیدگی به یک دعوی کیفری تعبیر شده است.^۱ در بحث جرایم متعدّد، ممکن است چالش‌هایی در تعیین دادگاه صالح به رسیدگی ایجاد شود که در فرض تعدّد معنوی و مادی و هر یک از آنها نیز در بحث صلاحیت محلی و ذاتی به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرند. در تعیین دادگاه صالح به رسیدگی از حیث صلاحیت محلی در تعدّد معنوی بحث و اختلافی وجود ندارد، چراکه در این نوع از تعدّد، آنچه موضوع رسیدگی است، رفتار واحدی است که در یک محل خاص اتفاق افتاده و ماده ۳۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تکلیف آن را با صالح شناختن دادگاه محل وقوع جرم تعیین کرده است. از لحاظ صلاحیت ذاتی در تعدّد معنوی، اگر عناوین متعدّد مجرمانه هر یک در صلاحیت ذاتی دادگاهی باشند، تکلیف چیست؟ به عنوان مثال متهم مرتکب رفتاری شده است که دو عنوان مجرمانه بر آن بار می‌شود، یکی در صلاحیت دادگاه کیفری ۱ یا ۲ و دیگری در صلاحیت دادگاه انقلاب اسلامی. با توجه به اینکه در تعدّد معنوی در نهایت مجازات جرمی داده می‌شود که مجازات آن اشد باشد، به نظر می‌رسد همان اتهام ملاک عمل قرار گیرد و اگر مجازات‌ها مساوی باشند، با استفاده از ملاک ماده ۳۱۴ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، دادگاه اختصاصی صالح به رسیدگی است.

۱- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، تهران، انتشارات سمت، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۸، ص ۳۷.



اما بحث صلاحیت دادگاه در تعدد مادی دارای پیچیدگی بیشتری است. از حیث صلاحیت محلی، یعنی حالتی که متهم مرتکب جرایم متعدد در حوزه های مختلف قضایی شده باشد، با توجه به مفاد مواد ۳۱۰ و ۳۱۳ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ و توجه به مقررات صلاحیت اضافی موضوع قابل حل است، بدین ترتیب که دادگاهی که جرم مهم تر در حوزه آن اتفاق افتاده و اگر جرایم یکسان باشند، دادگاه محل دستگیری و اگر مرتکب هنوز دستگیر نشده باشد، دادگاهی که زودتر شروع به تعقیب کرده است، صالح به رسیدگی به تمامی اتهامات می باشد.^۱

اما بحث تعیین دادگاه صالح از حیث صلاحیت ذاتی در رسیدگی به جرایم متعددی که هر یک در صلاحیت ذاتی مرجعی قرار دارند، به سادگی قابل حل نیست. ماده ۳۱۰ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ و بحث صلاحیت اضافی، استثنایی بر صلاحیت محلی است و در خصوص صلاحیت ذاتی قابل اجرا نیست. مستند این ادعا نیز تصریح ماده ۳۱۳ ق.آ.د.ک و رأی وحدت رویه شماره ۵۱۴ مورخ ۱۳۶۷/۹/۳۰ هیئت عمومی دیوان عالی کشور است این وضعیت در زمان حکومت سیستم جمع مجازات‌ها در تعدد جرم که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ وجود داشت، مشکلی ایجاد نمی کرد. ولی با توجه به قاعده اجرای مجازات اشد در تعدد جرم در ماده ۱۳۴ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲ و شرایط تعیین مجازات در جرایم متعدد، لازم است مرجع قضایی واحد به اتهامات متعدد رسیدگی کند تا اجرای ماده ۱۳۴ میسر گردد. جهت سهولت امر، فرض حاضر را در دو حالت بررسی می کنیم.

حالت اول، موارد جرایم متعدد در صلاحیت محاکم کیفری ۱ و ۲ است. در این حالت، متهم مرتکب جرایم متعدد تعزیری یا مستوجب حد یا دیه یا قصاص شده که برخی از آنها در صلاحیت دادگاه کیفری ۲ و برخی در صلاحیت دادگاه کیفری یک هستند و رعایت قواعد تعدد جرم در تعیین مجازات، ملازمه با رسیدگی یک مرجع واحد به تمامی اتهامات دارد. قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و در فرض چنین حالتی در

۱- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۹۴، ص ۳۰.



دادگاه عمومی جزایی و دادگاه کیفری استان، در این وضعیت رأی وحدت رویه شماره ۷۰۹ مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور قابل استناد بود. بموجب این رأی، اگر در اتهامات متعدد متهم، اتهامی وجود داشته باشد که در صلاحیت دادگاه کیفری استان است، همین دادگاه به سایر اتهامات متهم نیز رسیدگی خواهد کرد. در قانون ۱۳۹۲ تبصره یک ماده ۳۱۴ مقرر می‌دارد: «هرگاه شخصی متهم به ارتکاب جرایم متعددی باشد که رسیدگی به بعضی از آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک و رسیدگی به بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه کیفری ۲ و یا اطفال و نوجوانان است، به تمام جرایم او در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود.» بدین ترتیب و با توجه به اینکه صلاحیت دادگاه کیفری ۱ و ۲ نسبت به هم ذاتی نیست، مشکلی در این خصوص وجود ندارد.

حالت دوم، جرایم متعددی است که برخی در صلاحیت محاکم عمومی کیفری (دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲) و برخی در صلاحیت ذاتی دادگاه انقلاب اسلامی و یا دادگاه نظامی هستند. مسلماً آنچه در ماده ۳۱۰ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ آمده است، در جرایم متعدّد مورد بحث راهگشا نخواهد بود. رأی وحدت رویه شماره ۶۶۴ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۳۰ هیئت عمومی دیوان عالی کشور که صلاحیت دادگاه‌های کیفری استان را در رسیدگی به جرایمی که مجازات قانونی آنها اعدام است، منصرف از موارد صلاحیت ذاتی دادگاه‌های انقلاب اسلامی دانسته است، نیز مشکل را دو چندان می‌سازد حال سؤال این است که در مواردی که متهم به خاطر ارتکاب جرایم متعددی که در صلاحیت ذاتی دادگاه‌های مختلف قرار دارد تحت تعقیب قرار گرفته، اجرای قواعد تعدّد در مورد وی چگونه میسر خواهد شد.

انتظار می‌رفت قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به این سؤال پاسخ دهد، ولی از توجه به مواد مختلف این قانون، به ویژه مواد ۲۸۴ و ۳۱۳ و ۳۱۴ آن، راه حلی به دست نمی‌آید، لذا ظاهراً باید قائل بر این بود که هر دادگاهی تنها به اتهام یا اتهامات مطروحه در پرونده‌های داخل در صلاحیت ذاتی خود رسیدگی کرده و نمی‌تواند با لحاظ اتهامی که در پرونده‌های مطرح در دادگاه‌های دیگر وجود دارد، قواعد تعدّد جرم را اجرا کند. در



این صورت پس از صدور حکم و قطعیت آن در اجرای ماده ۵۱۰ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲، تجمیع احکام با رعایت قواعد تعدد جرم صورت خواهد گرفت.^۱ بدین ترتیب در قانون ۱۳۹۲، ظاهراً راه حل در بند «ب» ماده ۵۱۰ ارائه شده است، ولی به نظر می‌رسد این موضع نیز دارای ایراد باشد چراکه مشخص نیست از بین دادگاه کیفری ۱ و ۲ و دادگاه انقلاب یا نظامی کدام یک صلاحیت بالاتر دارد و آیا در مورد بند «ب» این ماده، دادگاه تجدیدنظر استان صلاحیت ورود در پرونده‌های موضوع صلاحیت دادگاه انقلاب و نظامی را دارد؟

برای حل تعارض و فراهم کردن شرایط رسیدگی در مرجع واحد، صرف نظر از اینکه در برخی مجتمع‌های قضایی با صدور ابلاغ دادرس دادگاه انقلاب برای قاضی دادگاه کیفری ۲ ظاهراً خواسته‌اند مشکل برطرف شود، اما به نظر می‌رسد باید قائل بر این بود که یا قواعد تعدد جرم شکسته شود و یا قواعد مربوط به صلاحیت ذاتی، که هر دو مورد نیز از قواعد آمره هستند. نظریه مشورتی شماره ۱۵۴۳/۹۲/۷ مورخ ۱۳۹۲/۸/۱۴ اداره حقوقی قوه قضائیه نیز که اعتقاد دارد هریک از دادگاهها باید به طور جداگانه طبق مقررات به جرایم متعدد رسیدگی و حکم صادر کنند و سپس مطابق ماده ۱۸۴ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ (در حال حاضر ماده ۵۱۰ قانون ۱۳۹۲) هریک از دادگاههای صادر کننده حکم با توجه به صلاحیت ذاتی نسبت به نقض حکم و صدور مجازات با توجه به مقررات ماده ۱۳۴ ق.م.ا اقدام کنند، مشکل را حل نکرده است. لذا به نظر می‌رسد که راه حل معقول و منطقی تا زمانی که شاهد اصلاح قانون یا صدور رأی وحدت رویه باشیم، سپردن رسیدگی واحد به مرجعی مانند دادگاه تجدیدنظر استان و شکستن قواعد صلاحیت در این خصوص است که با حقوق متهم نیز سازگاری بیشتری دارد، کما اینکه دلیل این ادعا را نیز می‌توان ملاک رأی وحدت رویه شماره ۶۵۱ مورخ ۱۳۷۹/۸/۳ هیئت عمومی دیوان عالی کشور دانست که رسیدگی به کلیه جرایم اشخاص کمتر از ۱۸ سال تمام، از جمله جرایم مربوط به مواد مخدر آنها را در دادگاه اطفال ممکن دانسته بود.

۵- مشخص شدن سابقه جرایم متعدد

ممکن است پس از صدور و قطعیت حکم در مورد متهم، مشخص شود که متهم دارای سوابق دیگری نیز بوده که به هر دلیلی در حین رسیدگی، پنهان مانده و در اجرای قواعد تعدد جرم لحاظ نشده است. مقررات قانون مجازات عمومی در بند «ب» ماده ۳۲، دادستان را مکلف کرده بود که رأساً یا به وسیله دادستان دادگاهی که بالاتر است و در صورت تساوی درجه، از دادستان دادگاه صادر کننده حکم اشد، درخواست کند که با توجه به محکومیت‌های مختلف محکوم علیه، حکم صادره را با رعایت مقررات مربوط به تعدد جرم تصحیح کند.^۱ ولی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ چنین حکمی وجود نداشت و همین امر سبب اختلاف نظر دادگاهها در نحوه عملکرد در اینگونه موارد شد. پیرو اختلاف به وجود آمده، رأی وحدت رویه شماره ۶۳۱ مورخ ۱۳۸۷/۱/۲۴ هیئت عمومی دیوان عالی کشور صادر شد که به موجب آن، دادگاه صادر کننده حکم اشد و در صورت تساوی مجازات‌ها، دادگاهی که آخرین حکم را صادر کرده، باید مبادرت به صدور حکم تصحیحی کند.

ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و ماده ۵۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با این شرط که در میزان مجازات قابل اجرا موثر باشد، فروض مختلفی را که سابقه تعدد پس از صدور حکم محکومیت قطعی مشخص می شود و راه حل آن را بیان کرده است.

مسئله مرتبط با این بحث، جایی است که بر خلاف تصریح ماده ۱۸۴ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸، و ماده ۵۱۰ قانون ۱۳۹۲، جرمی کشف شود که زمان وقوع آن قبل از محکومیت متهم است و تا به حال نیز رسیدگی نشده و مشمول قواعد تعدد نیز باشد. در این موارد آیا می توان به دستور ماده ۵۱۰ در حال حاضر عمل کرد؟ هر چند در این ماده سخن از محکومیت قطعی است، ولی می توان از مفهوم موافق آن استفاده کرد و با شمول ماده

۱- طاهری نسب، همان، ص ۲۴۵.



مذکور نسبت به این مورد، پرونده به همان دادگاه صادر کننده حکم قطعی اولی ارسال شود تا با نقض حکم اول، رسیدگی کرده و با اجرای قواعد تعدد جرم، حکم صحیح صادر کند.^۱ با این وجود انتظار می‌رفت در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به این مهم توجه شود. در حال حاضر با استناد به بند «الف» ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۹، در جرایم مشابه با توجه به لزوم صدور حکم مجازات واحد و در جرایم متعدد مختلف با استناد به بندهای «ب» و «پ» ماده ۱۳۴ قانون مذکور، چنانچه سابقه ارتکاب جرم قبلی که در حین رسیدگی منتهی به صدور حکم قطعی پنهان مانده است مشخص شود، قانونگذار راهکاری پیش‌بینی نکرده است و بدین ترتیب اعمال مقررات تعدد جرم در این موارد با اشکال مواجه خواهد شد. در این مورد تا زمان رفع نقص قانون، باید با مسامحه به وحدت ملاک از ماده ۵۱۰ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ استناد کرده و در این موارد و در صورت تاثیر بر مجازات لازم الاجرا، حسب بندهای سه گانه این ماده و با نقض حکم قبلی و رسیدگی مجدد، به صدور حکم با رعایت قواعد تعدد جرم پرداخت.

۶- اعتبار امر مختومه

بحث اعتبار امر مختومه، ممکن است در تعدد معنوی سئوالات و چالش‌هایی را ایجاد کند. حقوقدانان به این مسئله پرداخته‌اند که اگر «موضوعی تحت عنوان معینی در دادگاهی قضاوت شود، آیا دادسرا می‌تواند نسبت به همان موضوع در دادگاه دیگر تحت وصف دیگری اقامه دعوی نماید؟»^۲

در پاسخ به این سؤال بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. به عقیده برخی حقوقدانان، هر چند وحدت عمل، وحدت تعقیب را ایجاد می‌کند، ولی وحدت تعقیب نباید منجر به این شود که وصف دیگر عمل ارتكابی بدون اثر باشد. بنابر این پاسخ این

۱- خدابخشی، عبدالله، تمایز بنیادین حقوق مدنی و حقوق کیفری، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۳، صص ۲۸۷ و ۲۸۸.

۲- الهام، غلامحسین، مبانی فقهی و حقوقی تعدد جرم، تهران، نشر بشری، چاپ اول، ۱۳۷۲، ص ۱۵۷.



سؤال را مثبت داده اند.^۱ در مقابل برخی دیگر از حقوقدانان پاسخ منفی داده‌اند، به این جهت که عنصر مادی جرم که رفتار واحدی است، یک بار در دادگاه مورد رسیدگی قرار گرفته و متهم از آن رفتار برائت حاصل نموده^۲ و به عبارتی دیگر، دعوی همان است که سابقاً رسیدگی شده و اعتبار امر مختوم را پیدا کرده است.^۳ در تأیید نظر اخیر، می‌توان گفت که در حقیقت دادگاه با ملاحظه عنصر مادی اتهام انتسابی و فارغ از اینکه صرفاً در قید اتهام مندرج در کیفر خواست باشد، چنانچه رفتار ارتكابی وصف جزایی دیگری داشته باشد، می‌تواند متهم را به مجازات همان رفتار محکوم کند و تجدید تعقیب به همان دلایل و تنها با تغییر عنوان شکایت به استناد بند «چ» ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مجاز نیست.

موضوع دیگر در این خصوص، این است که اگر قاضی در صدور رأی خود به اشتباه بر اساس عنوان اخف در تعدد معنوی رأی صادر کرد و این رأی قطعی شد، آیا می‌توان مجدداً بر اساس عنوان اشد، تعقیب را تکرار کرد؟ هر چند بر اساس قاعده ممنوعیت تعقیب مجدداً پاسخ به این سؤال منفی اعلام شده است،^۴ ولی به نظر می‌رسد این موضوع سابقاً با بند ۶ ماده ۲۷۲ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ منطبق بود که یکی از موارد تجویز اعاده دادرسی را جایی می‌دانست که به علت اشتباه قاضی، کیفر مورد حکم متناسب با جرم نباشد. اما در ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ چنین امری از موجبات اعاده دادرسی قلمداد نشده است. همچنین از آنجا که اعاده دادرسی در احکام محکومیت پذیرفته شده و این موضوع نشان از ارفاقی بودن این نهاد است، تشدید مجازات به این اعتبار نیز دارای وجهت قانونی نیست.

۱- همان، ص ۱۵۸ و طاهری نسب، همان، ص ۲۳۱.

۲- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات طرح نو، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۷۷۰.

۳- خدابخشی، همان، ص ۲۸۴.

۴- زراعت، همان، ص ۱۹۶.



نتیجه گیری

در مقام نتیجه گیری و جمع بندی مطالب مطروحه در این مقاله، می توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱- شروع به تعقیب کیفری در تعدّد معنوی در مواردی که همه عناوین غیر قابل گذشت یا قابل گذشت باشند، با مشکل خاصی مواجه نیست. ولی اگر برخی عناوین قابل گذشت و برخی غیر قابل گذشت باشند و به ویژه حالتی که جرم اشد قابل گذشت باشد، چالش هایی را ایجاد می کند. به نظر می رسد شروع به تعقیب از حیث جنبه اخفّ که دارای جنبه عمومی است، با مشکلی مواجه نباشد، چراکه عدم شکایت شاکی خصوصی یا گذشت وی در حالاتی که تعدّد معنوی را نیز نفی نکند، نباید سبب بی کیفر ماندن رفتار مجرمانه گردد.

۲- تفهیم اتهام در تعدّد مادی با تفهیم تمامی عناوین رفتارهای متعدّد صورت خواهد پذیرفت. در تعدّد معنوی نیز اگر رفتاری واجد عناوین مجرمانه متعدد باشد، تمام عناوین باید به متهم تفهیم شود، ولی بر خلاف تعدّد مادی، فقط نسبت به عنوان اشد حکم محکومیت صادر خواهد شد.

۳- در قرارداهای تأمین کیفری با توجه به تغییر رویکرد قانونگذار در تبعیت از سیستم اجرای مجازات اشد در تعدّد جرم در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و با توجه به تأکید ماده ۲۱۸ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲، قرار تأمین کیفری واحد در جرایم متعدد داخل در صلاحیت ذاتی مرجع واحد با رعایت تناسب بین اتهامات و مجازاتهای آنها و سایر قیود قانونی باید صادر گردد و صدور قرارداهای متعدّد خلاف قانون و فلسفه صدور قرار تأمین است. قسمت اخیر ماده ۲۱۸ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ نیز که در اتهامات داخل در صلاحیت ذاتی دادگاههای مختلف، صدور قرارداهای تأمین متعدّد را پیش بینی کرده است، قابل انتقاد است. چرا که اجرای دقیق قواعد تعدّد جرم، رسیدگی در یک مرجع واحد را می طلبد و گذشته از آن

چه بسا متهمی که قرار است تنها یک مجازات اشد در مورد وی به اجرا در آید، با صدور قرارهای متعدّد بدون جهت مدتی از آزادی خود نیز محروم بماند.

۴- صلاحیت ذاتی دادگاه رسیدگی کننده به جرایم متعدّد را شاید بتوان یکی از مهم-ترین چالش‌های پیش روی قانونگذار و دستگاه قضایی در دوران حکومت قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ دانست. به نظر می‌رسد ضروری است تا از طریق قانونگذاری یا رأی وحدت رویه و به جهت تضمین اجرای صحیح قواعد تعدّد جرم و جلوگیری از اطاله دادرسی و اقدامات متعدد در یک پرونده، مرجعی واحد مانند دادگاه تجدیدنظر استان عهده دار رسیدگی در این موارد گردد.

۵- در مورد رسیدگی به مشخص شدن سابقه تعدّد پس از صدور حکم قطعی در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ راهکار مشخصی وجود ندارد. در حال حاضر و تا زمان رفع نقص قانون، با استناد به بند «الف» ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۹، در جرایم مشابه با توجه به لزوم صدور حکم مجازات واحد و در جرایم متعدد مختلف با استناد به بندهای «ب» و «پ» ماده ۱۳۴ قانون مذکور، چنانچه سابقه ارتکاب جرم قبلی که در حین رسیدگی منتهی به صدور حکم قطعی پنهان مانده است مشخص شود، قانونگذار راهکاری پیش‌بینی نکرده است و بدین ترتیب اعمال مقررات تعدّد جرم در این موارد با اشکال مواجه خواهد شد. در این مورد تا زمان رفع نقص قانون، هر چند موضوع ماده ۵۱۰ دو رای قطعی است، باید با مسامحه به وحدت ملاک از ماده ۵۱۰ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ استناد کرده و در این موارد و در صورت تاثیر بر مجازات لازم الاجرا، حسب بندهای سه‌گانه این ماده و با نقض حکم قبلی و رسیدگی مجدد، به صدور حکم با رعایت قواعد تعدّد جرم پرداخت.

۶- در خصوص اعتبار امر مختوم به ویژه در موضوع تعدّد معنوی جرم، امکان تعقیب مجدّد به خاطر ارتکاب رفتار واحد و صرفاً با تغییر عنوان اتهامی قابل پذیرش نیست. با توجه به اینکه علاوه بر یکسان بودن عنصر مادی، دادگاه نیز اختیار تغییر وصف مجرمانه



اعلامی در کیفرخواست را داشته و با این وجود رأی براءت صادر کرده، دادگاه در این فرض رفتار مرتکب یا عنصر مادی را واجد عنوان مجرمانه‌ای ندانسته است و تجدید تعقیب به این جهت که عنوان دیگری به رفتار یاد شده نسبت داده شود، مخالف قانون است.

فهرست منابع

- ۱- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴ چاپ سیزدهم، ۱۳۹۸.
- ۲- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد سوم، تهران: نشر میزان، چاپ بیست و دوم، ۱۳۹۹، ص ۱۷۹.
- ۳- استفانی- گاستون و لواسور- ژرژ و بولوک- برنار، آیین دادرسی کیفری، ترجمه دکتر حسن دادبان، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- ۴- الهام - غلامحسین؛ مبانی فقهی و حقوقی تعدد جرم، تهران: نشر بشری، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- ۵- باهری، محمد، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۳۸۹.
- ۶- پوربافرانی، حسن، تعدد و تکرار جرم در حقوق کیفری ایران، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ویژه نامه حقوق، بهار ۱۳۸۴.
- ۷- پیمانی، ضیاء الدین، بررسی تاریخی و تطبیقی قاعده تعدد جرم، قم: معاونت پژوهشی مجتمع آموزش عالی قم، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- ۸- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۹۲.
- ۹- خدابخشی، عبدالله، تمایز بنیادین حقوق مدنی و حقوق کیفری، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۳.
- ۱۰- زراعت، عباس، حقوق جزای عمومی ۳، (جلد دوم)، تهران، انتشارات جاودانه - جنگل، ۱۳۹۲.

- ۱۱- شیخ الاسلامی، عباس، تقریرات درس حقوق کیفری عمومی، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، نیمسال اول ۹۴ - ۱۳۹۳.
- ۱۲- شیخ الاسلامی، عباس، تعدد جرم، نظریه‌ها و رویه‌ها، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۵.
- ۱۳- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات طرح نو، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۱۴- طاهری نسب، سید یزدالله، تعدد و تکرار جرم در حقوق جزا، تهران، انتشارات دانشور، چاپ اول، ۱۳۸۱.